

# علم أصول الفقه

٩ ٢-٧-٩٢ حجية الظن في نفسه

دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

## حجیة الظن فی نفسه

- در بحث جعل حکم ظاهری گفته اند وقتی حکم ظاهری مخالف با واقع باشد، ما مصالح واقعی را از دست می دهیم یا گرفتار مفسد واقعی می شویم. پس چرا خدا - تبارک و تعالی - حکم ظاهری جعل می کند؟

## حجیة الظن فی نفسه

- شیخ - رضوان الله تعالى علیه - در جواب این اشکال می فرماید در حکم ظاهری مصلحتی هست که آن مصالح واقعی فوت شده یا مفاسد واقعی دچار شده واقعی در اثر عمل به این حکم ظاهری را جبران می کند.

## حجية الظن في نفسه

- به تعبیر دیگر فرض کنید چیزی در واقع واجب است و صد و پنجاه درجه مصلحت دارد، وقتی در ظاهر دلیلی اقامه شود که این عمل واجب نیست و شما طبق همین دلیل عمل کنید، خود همین عمل کردن شما به این دلیل، صد و پنجاه درجه مصلحت ایجاد می‌کند که آن مصلحت واقعی از دست رفته را جبران می‌کند؛ یعنی ایشان می‌پذیرد که احکام ظاهری دارای مصالح مستقله از احکام واقعی هستند.

## حجیة الظن فی نفسه

- مبنای ایشان به شکلی که بیان کردم، همان نظریة مصوبه است که وی به شدت از پذیرش آن ابا دارد.
- به همین جهت در توضیح مبنای خود می گوید: مصالح احکام ظاهری در متعلق حکم نیست تا به تصویب منجر گردد، بلکه در خود عمل کردن به این احکام است؛
- به عبارت دیگر این مصالح در سلوک بر طبق این امارات و اصول عملیه است نه در مؤدای امارات یا اصول عملیه.
- به همین دلیل اسمش را هم **مصلحت سلوکیه** می گذارد.

## حجیة الظن فی نفسه

- او همچنین معتقد است این مصلحت به همان اندازه‌ای است که از واقع فوت شده‌است. پس مقدار ثابتی نیست؛ مثلاً فرض کنید به استناد اماره‌ای به این نتیجه رسیدید که در روز جمعه، نماز جمعه واجب است و نماز ظهر واجب نیست. در نتیجه در نماز جمعه شرکت کردید. بعد از گذشت وقت - موقعی که غروب شده بود - معلوم شد که آن اماره مطابق با واقع نبوده‌است. پس نماز جمعه واجب نبوده و نماز ظهر واجب بوده و الآن نماز ظهر فوت شده‌است و دیگر امکان نماز ظهر به صورت اداء برای شما نیست و با قضاء هم نمی‌توانید همه آن مصالح فوت شده را به دست آورید. در این مورد فقط آن مقداری که با قضاء قابل جبران نیست، با عمل به اماره جبران می‌شود.

## حجیة الظن فی نفسه

- پس اگر فرض کنید خواندن نماز ظهر صد درجه مصلحت دارد و نماز قضای ظهر می تواند هشتاد درجه از آن مصلحت را استیفا کند. وقتی شما به اماره عمل کردید، نماز جمعة شما بیست درجه مصلحت خواهد داشت. اگر در خود وقت، فهمیدید که در واقع نماز ظهر واجب بوده است؛ ولی فضیلت اول وقت را از دست داده اید، آن نماز جمعه فقط به اندازه خواندن نماز در اول وقت، مصلحت دارد؛ مثلاً اگر مصلحت اول وقت ده درجه باشد، همان ده درجه را به شما می دهند و ما بقی مصالح در اصل نماز هست که باید با اتیان آن به صورت اداء تأمین شود. (مقدمة دوم)

## حجية الظن في نفسه

- شیخ - رضوان الله تعالى عليه - از این دو مقدمه نتیجه می‌گیرد که چون در موارد ظن مطلق براءت شرعی و استصحاب جاری می‌شوند، اگر به حکم مظنون عمل نکردیم و مصلحتی در واقع از ما فوت یا مفسده‌ای پیدا شود، این مصلحت و مفسدة واقعی با عمل ما به آن استصحاب یا براءت جبران می‌شود.



## حجية الظن في نفسه

- ثم إن مفاد هذا الدليل هو وجوب العمل بالظن إذا طابق الاحتياط لا من حيث هو و حينئذ فإذا كان الظن مخالفا للاحتياط الواجب كما في صورة الشك في المكلف به فلا وجه للعمل بالظن حينئذ.

## حجية الظن في نفسه

- ادامه نقد شیخ بر دلیل اول
- شیخ - رضوان الله تعالى عليه - در آخر این بحث می گوید: این دلیل اگر تمام هم باشد، فقط در صورتی حجیت ظن را اثبات می کند که عمل به ظن مطابق با احتیاط باشد؛ مثلاً اگر ظن دارم که یک عملی واجب است، مفاد احتیاط آن است که بر طبق ظن عمل کنم و آن کار را انجام دهم یا اگر ظن دارم که یک عملی حرام است، مفاد احتیاط آن است که بر طبق ظن عمل کنم و از آن عمل اجتناب کنم.

## حجية الظن في نفسه

- اما اگر در موارد شک در مکلف به که می دانم یک واجبی وجود دارد و نمی دانم مصداق آن واجب کدام است، وضع فرق می کند؛ مثلاً می دانم در ظهر جمعه یا نماز ظهر واجب است یا نماز جمعه و ظن دارم که نماز جمعه واجب است. در این مورد احتیاط این نیست که ملتزم به ظن باشم، بلکه احتیاط اقتضا دارد که هر دو را بخوانم. بر این اساس شیخ می فرماید: این وجه فقط حجیت ظن را در مواردی ثابت می کند که ظن مطابق با احتیاط باشد.

## حجیة الظن فی نفسه

- بررسی نقد شیخ
- ما مصلحت سلوکیه را نپذیرفتیم و نظر شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - را قبول کردیم و گفتیم احکام ظاهری، مصالح و مفسد مستقلی غیر از مصالح و مفسد احکام واقعی ندارند. جهل به احکام واقعی باعث می شود که عبد از دستیابی به همه مصالح واقعی یا دفع همه مفسد واقعی عاجز شود؛ البته این عجز به سبب جهل عبد است، نه ناتوانی مولا در تحفظ بر مصالح و مفسد واقعی. بنابراین چون مولا نمی تواند همه مصالح واقعی را برای عبد حفظ کند، مجبور است بخشی از آنها را فدای بخش دیگر کند؛ به عبارت دیگر بعضی را بر بعضی دیگر ترجیح دهد.

## حجية الظن في نفسه

- معيار این ترجیح گاهی کمی است و گاهی کیفی. شهید صدر - رضوان الله تعالى عليه - با همین تفاوت معیار، فرق امارات و اصول عملیه را توضیح می دهد و می گوید در جعل اماره معیار کمی (قوت احتمال) و در اصل عملی، معیار کیفی (قوت محتمل) است؛ یعنی علت اینکه شارع امارات را حجت می کند، این است که احتمال مطابقت امارات با واقع بیش از احتمال عدم مطابقتشان است. اما اگر اصول عملیه را حجت قرار می دهد، بدان سبب است که مؤدای آن اصل عملی (محتمل) مهم تر از سایر مؤدیات (محتمل ها) است؛ مثلاً در براءت، اباحه، مهم تر است از سایر مؤدیاتی که احتمال دارد در عالم واقع وجود داشته باشد.

## حجية الظن في نفسه

- پس ما قائل نیستیم که خداوند - تبارک و تعالی - در موارد جعل حکم ظاهری مصلحت دیگری غیر از مصالح و مفاسد واقعی را در نظر می‌گیرد.

## حجية الظن في نفسه

- نکته دیگر اینکه بحث ما الآن قبل از اثبات اصول عملیه و قبل از بررسی ادلة ظنون خاصه است. بنابراین باید بینیم که قبل از اینکه به این بحث‌ها پردازیم، چه قضاوتی نسبت به مسألة حجیت ظن می‌توانیم داشته باشیم. پس به لحاظ منطقی نمی‌توانیم از بحث‌هایی که در آینده مطرح می‌شود الآن استفاده کنیم.

## حجية الظن في نفسه

- اما نقد پايانی شيخ - رضوان الله تعالى عليه - كه تمام بودن اين دليل را منحصر به فرض احتياط دانست، درست است.



## حجیة الظن فی نفسه

- این «دلیل داریم» یعنی بحث‌های آینده خواهیم دید که چنین دلیلی وجود دارد؛ چون شیخ - رضوان الله تعالی علیه - در این قسمت از رسائل هنوز بحث اصول عملیه را مطرح نکرده است.
- همچنین گفته‌اند چگونه ممکن است خداوند - تبارک و تعالی - حکمی را در واقع برای یک موضوعی قرار دهد و در همان حال در ظاهر هم حکم دیگری برای آن موضوع جعل کند که یا مماثل آن حکم واقعی است یا مخالفش. در نتیجه اجتماع مثلین یا ضدین را به دنبال خواهد داشت. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: تأملات در علم اصول فقه، کتاب اول، دفتر سوم، ذیل بحث «جمع بین حکم ظاهری و واقعی».
- برای توضیح بیشتر، ر.ک: فرائد الأصول، ص ۴۳ - ۴۸.
- طبق مبنای شیخ - رضوان الله تعالی علیه - احکام ظاهری همیشه دارای مصالح هستند و مفسد در آنها معنا ندارد.
- برای توضیح بیشتر، ر.ک: فرائد الأصول، ص ۱۷۹.
- همان، ص ۱۸۰.
- شهید صدر - رضوان الله تعالی علیه - اسم این نظریه‌اش را تراحم حفظی گذاشته است.